دورنما
دکتر سید نعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده

### جنگ تجاری ترامپ با پاندای چینی در راه است

# هیزم ترامپ در آتش پاسیفیسم اوباما

بحث دخالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری امریکا در واشنگتن گرم است. هر چند مسئولان سیاسی و اطلاعاتی امریکا تاکنون مدرک و سندی برای تأیید اتهاماتشان علیه مسکو ارائه نکرده‌اند، اما اقدامات تنبیهی علیه روسیه اجرا شده و به دستور باراک اوباما، رئیس جمهور امریکا، ۳۵ دیپلمات و وابسته اطلاعاتی روس از امریکا خارج شده‌اند. این نحو عمل واشنگتن یادآور هیاهوی جوزف مک کارتی در ۱۹۵۰ است که با ادعای دخالت روس‌ها در امریکا فهرست شرم‌آور خود از عوامل نفوذی روس‌ها و کمیته تحقیق کنگره را به راه انداخت. دونالد ترامپ که خود را برای ورود به کاخ سفید تا دو هفته دیگر آماده می‌کند چندان اعتنایی به این هیاهو نمی‌کند و به جای آن بر طبل دشمن‌هراسی علیه چین می‌کوبد. هر چند ترامپ با کوبیدن بر این طبل در نقطه مقابل اوباما قرار گرفته اما از جهتی دیگر، او همان خطی را دنبال می‌کند که اوباما دست‌کم در دور دوم ریاست جمهوری خود با جدیت تمام دنبال می‌کرد و حالا ترامپ بر شدت آن افزوده است. این به معنای گردش مشهور اوباما از آتلانتیک به پاسفیک است که همه منتظر بودند تا ببینند رئیس جمهور بعدی در قبال آن چه خواهد کرد و حالا معلوم شده که استراتژی کلان امریکا با تغییر رئیس جمهور در کاخ سفید تغییر نمی‌کند و هر رئیس جمهوری که بیاید موظف به اجرای آن است.

**■ روسیه یا چین؟**

همین چند روز پیش بود که جان مک کین، سناتور جمهوریخواه، به کشورهای حوزه بالتیک رفته بود تا با نمایش ضدروسی به این کشورها اطمینان خاطر دهد با آمدن ترامپ به کاخ سفید، امریکا در کنار آنها علیه روسیه خواهد ایستاد. مدتی است که این حوزه تبدیل به نقاط حساس رویارویی روسیه با ناتو به رهبری امریکا شده تا آنجا که امریکا با استقرار نیروهای نظامی خود در استونی و لیتوانی، به طور مستقیم مسکو را در پشت مرزهایش تهدید می‌کند. مک کین به همراه لیندسی گراهام و ایمی کلابچر، سناتورهای جمهوریخواه و دموکرات، بعد از حوزه بالتیک به کیف، پایتخت اوکراین، رفت تا شب سال نو میلادی را در خط مقدم درگیری با روس‌ها و در کنار نظامی‌های اوکراینی بگذراند و در پیام توئیتری خود هم نوشت: «ما در کنار آنها در جنگ علیه تجاوز پوتین ایستاده‌ایم.» این نحو نمایش از سوی یک سناتور ارشد جمهوریخواه هماهنگ با بازی سیاسی دموکرات‌ها علیه مسکو است که به بهانه دخالت هکرهای روس در انتخابات ریاست جمهوری امریکا به راه افتاده است. سرژ حلیمی، دبیر هیئت تحریریه لوموند دیپلماتیک، در یادداشت خود با عنوان «عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی روسیه» می‌نویسد: «از زمان مالیخولیای مک کارتیست زمان زیادی گذشته، اما واشنگتن پست با ابراز نگرانی از وجود بیش از ۲۰۰ تارنما که داوطلبانه یا غیرداوطلبانه تبلیغات روسیه را منتشر می‌کنند، مک کارتیسم را تبلیغ می‌کند.» حلیمی به نحوی طعنه‌آمیز به جاسوسی آژانس امنیت ملی امریکا، NSA، از میلیون‌ها شهروند مشهور و غیرمشهور غرب در امریکا و اروپا اشاره می‌کند و در ادامه می‌نویسد: «آقای اوباما بدون توجه به مضحک بودن کلام خود روسیه را با این عبارت تهدید می‌کند: آنها باید درک کنند که آنچه را می‌کنند ما هم می‌توانیم با آنها بکنیم.» با وجود مضحک بودن کلام اوباما و مضحک‌تر بودن اقدام او در اخراج دیپلمات‌های روس از واشنگتن اما سناتورهای سنت‌گرایی مثل مک کین، گراهام و کلابچر از هر دو حزب اصلی امریکا با آن همراه و همدل هستند. افرادی مثل مک کین در این چند سال مدام نسبت به ضعف اوباما در برابر روسیه انتقاد می‌کردند و معتقد بودند که اوباما با توجه بیش از حد به حوزه پاسفیک، حوزه اصلی آتلانتیک و رویارویی با روسیه را فراموش کرده و انتظار داشتند تا با فرستادن یک رئیس جمهور به کاخ سفید، وضعیت را بعد از اوباما تغییر دهند. حالا واشنگتن به وضعیتی کمیک دچار شده است، چراکه اوباما در این روزهای پایانی از ریاست جمهوری خود بر وفق مراد آنها عمل می‌کند و کسی که به نام یک جمهوریخواه به کاخ سفید می‌رود نه تنها بر پاسفیک تمرکزی بیش از حد اوباما دارد بلکه با تهدید ناتو معلوم نیست که نسبت به آن متعهد باشد.

**■ سنگرسازی در برابر چین**

چین بر مبنای سیاست چین واحد همواره تایوان را بخش جدایی‌ناپذیر خود می‌داند و نسبت به هر گونه تماس خارجی با این جزیره حساسیت خاصی داشته است. رؤسای جمهور امریکا چه دموکرات یا جمهوریخواه از ۱۹۷۹ به این سو سیاست چین واحد را به رسمیت شناخته‌اند و با قطع روابط رسمی خود با تایوان بیشتر سعی داشته‌اند تا در این ۳۷ سال با احتیاط کامل روابط خود با تایوان را تنظیم کنند و بیشتر از این روابط به عنوان یک امتیاز یا کارت در معادلات خود با چین استفاده کنند. رؤسای جمهور امریکا بر این اساس بوده که با وجود روابط اقتصادی نظامی نزدیک با تایوان اما تماس مستقیمی با رؤسای جمهور تایوان نداشته‌اند اما ترامپ روز جمعه دوم دسامبر ۲۰۱۶ این سنت ۳۷ ساله را شکست و با خانم تسای اینگ‌ون، رئیس جمهور تایوان، تماس تلفنی برقرار کرد. چین به سرعت نسبت به این تماس تلفنی واکنش نشان داد و وانگ ئی، وزیر خارجه چین، این تماس را «ترفندی بی‌ارزش» از سوی تایوان خواند. مایک پنس، معاون اول ترامپ که به سنت بیش از سه دهه امریکا آگاه است تلاش کرد تا از بار سیاسی این تماس تلفنی کم کند و به همین جهت هم گفت: «تماس تلفنی به رسم ادب صورت گرفته است.» شاید این تلاش پنس یا دیگر نزدیکان ترامپ می‌توانست تاثیرگذار باشد اما خود ترامپ در توئیتر پیامی گذاشت تا معلوم کند تماس او نه اتفاقی و نه از روی رسم ادب بوده بلکه او با قصد و نظر سیاسی علیه چین این تماس تلفنی را انجام داده است. او در این پیام نوشت: «آیا چین نظر ما را پرسید وقتی ارزش واحد پول خود را کاهش داد، مالیات بیشتری به تولیدات امریکایی بست یا مجتمع عظیم نظامی در دریای جنوب چین ایجاد کرد؟ نه، از ما نظرخواهی نکرد.»

این پیام نشان داد که تماس تلفنی او با رئیس جمهور تایوان تنها یک سنت‌شکنی نبوده بلکه سنگی برای سنگرسازی علیه چین بوده است. ترامپ تنها با یک تماس تلفنی و این نحو نمایش سیاسی در برابر چین سنگرسازی نمی‌کند بلکه دست به کار شده و در تیم کاری خود افرادی را منصوب کرده که به طور مشخص ایده مبارزه با چین را دنبال می‌کنند. یکی از این افراد رابرت لایت هایزر است که ترامپ او را برای پست نماینده تجاری امریکا انتخاب کرده است. لایت هایزر پیش از این و در دولت رونالد ریگان همین پست را به عهده داشته و از منتقدان سرسخت روابط تجاری امریکا با چین بوده است و در حال حاضر هم یکی از اعضای ارشد شرکت حقوقی اسکادن است که به نمایندگی از شرکت فولاد امریکا و برخی از دیگر شرکت‌های داخلی، برای ممانعت از ورود فولاد به امریکا تلاش می‌کند. پیتر ناوارو یکی دیگر از چهره‌های مشهور ضدچینی است که ترامپ او را به عنوان رئیس شورای تجارت ملی کاخ سفید انتخاب کرده است. «جنگ‌های چینی آینده» و «مرگ به دست چین» نام دو کتابی است که ناوارو نوشته و دست‌کم عناوین همین دو کتاب به خوبی نگاه ضدچینی این استاد اقتصاد در دانشگاه کالیفرنیا را آشکار می‌کند. ترامپ با انتخاب این دست افراد باتجربه و توانایی علمی کافی به خصوص در عرصه اقتصادی به طور مشخص در جهت یک جنگ اقتصادی سنگین با چین پیش می‌رود. او در کارزار انتخاباتی خود بی‌پرده از این جنگ گفته بود و مدعی شد که چینی‌ها سرمایه و اقتصاد امریکا را بلعیده‌اند و حالا نوبت امریکاست که این روند را معکوس کند و با بازگشت سرمایه‌هایش به داخل خاک خود قدرت سابق را احیا نماید.

**■ آمادگی چین در جنگ اقتصادی**

ترامپ در کارزار انتخاباتی خود گفته بود که قصد افزایش تعرفه گمرکی بر کالاهای چینی تا میزان ۴۵ درصد را دارد. پکن این تهدید ترامپ را به منزله یک اعلام جنگ تجاری علیه خود ارزیابی کرده و روزنامه مردم، ارگان حزب کمونیست چین، در این مورد نوشت: «آنهایی که فکر می‌کنند چین در جنگ تجاری شکست خواهد خورد سخت در اشتباه هستند، چراکه چین دیگر همانند قبل آسیب‌پذیر نیست و پس از سال‌ها اصلاحات و رشد اقتصادی، آماده نبرد تجاری است.» چینی‌ها در حال حاضر به دو محور اصلی برای رویارویی با امریکا در این جنگ فکر می‌کنند. محور اول عبارت از چرخش اقتصادی داخلی است، چراکه طبق آمارها در دو سال قبل، مصرف و تقاضا در داخل چین به میزان ۶۶ درصد از کل تولید ناخالص داخلی رسیده و همین نیز می‌تواند یکی از پشتوانه‌های چین برای تداوم رشد اقتصادی در صورت جنگ اقتصادی با امریکا باشد. محور دیگر عبارت از رشد روابط اقتصادی با کشورهایی غیر از امریکاست. طبق آمارهای سازمان تجارت جهانی در ۲۰۱۵، ارزش صادرات چین به میزان ۲ هزار و ۳۰۰ میلیارد دلار بوده که بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار از این رقم مربوط به صادرات اقلام چینی به امریکا می‌شد. این آمار نشان می‌دهد در صورت جنگ تجاری ترامپ با چینی‌ها و حتی قطع روابط تجاری باز چینی‌ها چیزی حدود ۶۰ درصد از قدرت صادراتی خود را حفظ می‌کنند. به عبارت دیگر، چینی‌ها انتظار دارند در این جنگ تجاری به همان میزان صدمه ببینند که امریکایی‌ها متحمل می‌شوند و به همین جهت هم خود را آماده چنین جنگی می‌دانند. در هر صورت، ترامپ به جای روسیه به فکر یک جنگ تجاری تمام‌عیار با چینی‌هاست که با گزینه‌های سیاسی مثل نادیده گرفتن سیاست چین واحد، چاشنی این جنگ را غلیظ‌تر هم می‌کند اما باید توجه داشت که چین امروز دیگر چین ۳۷ سال قبل نیست که در این جنگ دست‌بسته باشد و نتواند از عهده آن برآید.

---

رویکرد
احمد کاظم‌زاده

### آیا محکومیت‌های بین‌المللی با فعال شدن پرونده نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی رابطه‌ای دارد؟

# نتانیاهو زیر پتک فساد و سندان قطعنامه

در روزهای اخیر دو موضوع بیش از دیگر موضوعات درباره تحولات مربوط به سرزمین‌های اشغالی جلب توجه می‌کند. نخست واکنش‌های مربوط به تصویب قطعنامه ۲۳۳۴ در شورای امنیت سازمان ملل در محکومیت شهرک‌سازی در کرانه باختری و شرق بیت‌المقدس و احتمال تصویب قطعنامه دیگر در ۱۷ ژانویه برابر با ۲۷ دی ماه جاری است که راستگرایان صهیونیستی به رهبری نتانیاهو را به تکاپو واداشته و دوم افشای پرونده‌های مربوط به فساد مالی و سیاسی نتانیاهو و نزدیکان وی از جمله همسر، پسرش و همچنین برخی دیگر از اعضای کابینه که به بازجویی از آنها انجامیده است. آیا تقارن این دو موضوع تصادفی بوده یا اینکه پیوند معناداری میان این دو است و در صورت وجود چنین ارتباطی چه اهدافی بر آن مترتب است؟ پیش از پاسخ به این سؤالات ذکر جزئیاتی از هر دو موضوع لازم به نظر می‌رسد.

**۱- تصویب قطعنامه ۲۳۳۴**

با وجود اینکه قطعنامه شورای امنیت هیچ مکانیسم اجرایی ندارد و طرف‌هایی که از اجرای آن سر باز زنند متحمل هیچ تحریم یا مجازاتی نخواهند شد، اما این قطعنامه بر اتفاق نظر بین‌المللی در رد سیاست شهرکسازی تأکید می‌کند و آن را مانعی بر سر راه سازش برمی‌شمارد که برنامه راه‌حل دو کشور را در معرض خطر قرار می‌دهد. این قطعنامه همچنین به شهروندان فلسطینی که از شهرکسازی زیان دیدند یا زمین آنها برای شهرکسازی مصادره شد این اجازه را می‌دهد تا علیه تل آویو در دیوان بین‌المللی کیفری شکایت کنند. با توجه به اینکه پیش از این فلسطین به عضویت دیوان کیفری بین‌المللی در آمده، از این رو نتانیاهو و دیگر راستگرایان صهیونیستی از تصویب این قطعنامه و به‌خصوص رأی ممتنع امریکا به آن بسیار خشمگین شده‌اند و به اقداماتی چون فراخوانی سفرای کشورهای رأی‌دهنده به قطعنامه دست زده‌اند که در مورد امریکا سردی کم‌سابقه‌ای را بر روابط میان دولت اوباما و دولت نتانیاهو حاکم کرده است. آنچه ترس و خشم نتانیاهو و هم تیمی‌های وی را تشدید کرده، برگزاری کنفرانس بین‌المللی صلح در پاریس در ۱۵ ژانویه برابر با ۲۵ دی ماه و برگزاری نشست شورای امنیت در ۱۷ ژانویه برابر با ۲۸ دی ماه ۱۳۹۵ برای تصویب قطعنامه دیگر درباره تشکیل دولت فلسطینی است که درست در آستانه تحویل کلید کاخ سفید به دونالد ترامپ رئیس جمهور جدید امریکا صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه نتانیاهو و دیگر راستگرایان صهیونیستی برای یکسره کردن کار در فلسطین حساب خاصی روی شخص ترامپ و جمهوریخواهان باز کرده‌اند از این‌رو از این نگران هستند که برگزاری این نشست‌ها و تصویب این قطعنامه‌ها درست در روزهای پایانی دولت اوباما سنگ بزرگی را جلوی طرح‌ها و برنامه‌های خاص آنها در فلسطین بیندازد و کار را برای آنها مشکل کند. از این رو بنیامین نتانیاهو در نشست سالانه‌ای که در بیت‌المقدس با مشارکت سفرای اسرائیل در کشورهای اروپایی برگزار شده بود، گفت: «کنفرانس پاریس حاصلی نخواهد داشت، اما شواهد و قرائنی وجود دارد که نشان می‌دهد برخی تلاش خواهند کرد با بهره برداری از این کنفرانس و تصمیماتی که در آن گرفته خواهد شد، قطعنامه دیگری علیه اسرائیل در سازمان ملل متحد به تصویب برسانند. به همین علت تلاش سیاسی اصلی که ما باید در این شرایط انجام دهیم این است که از تصویب قطعنامه ضداسرائیلی جدید در سازمان ملل متحد جلوگیری کنیم.» وزارت امور خارجه فرانسه از ۷۰ کشور و سازمان برای شرکت در کنفرانس صلح خاورمیانه در پاریس دعوت کرده است. این کنفرانس در راستای نشستی که سوم ژوئن در سطح وزیران در پاریس برگزار شد، تدارک دیده شده است. نشست بین‌المللی خاورمیانه، سوم ژوئن گذشته در سطح وزیران و با هدف بررسی راه‌های از سرگیری مذاکرات صلح میان اسرائیل و فلسطینیان با مشارکت وزرای امور خارجه ۲۵ کشور از جمله چهار کشور عرب در پایتخت فرانسه برگزار شد. این نشست در چارچوب ابتکاری که فرانسه برای حل مناقشه خاورمیانه ارائه کرده است، تشکیل شد و فرصتی فراهم کرد تا جامعه بین‌المللی حمایت خود را از صلح در خاورمیانه و حل و فصل مناقشه این منطقه از طریق اجرای راهکار تشکیل دو کشور مستقل تجدید کند. مذاکرات مستقیم صلح میان اسرائیل و فلسطینیان که ۹ ماه ادامه داشت آوریل سال ۲۰۱۴ به علت اختلاف نظرات عمیق میان دو طرف در خصوص توسعه شهرک‌های صهیونیست‌نشین توسط اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین بدون نتیجه به پایان رسید. مسئله تعیین مرزها و به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطینی توسط اسرائیل نیز از دیگر اختلافات حل نشده میان دو طرف است. جامعه بین‌المللی اقدام اسرائیل را در ساخت شهرک‌های صهیونیست‌نشین در زمین‌های فلسطینیان که از سال ۱۹۶۷ اشغال یا ضمیمه اسرائیل شده است، غیرقانونی می‌داند. شهرک‌سازی اسرائیل در این اراضی از دیدگاه جامعه بین‌المللی یکی از موانع اصلی در روند صلح میان اسرائیل و فلسطینیان محسوب می‌شود.

**۲- پرونده نتانیاهو**

اما در خصوص افشای ابعاد و گستره فساد مالی نتانیاهو و نزدیکان و دیگر شرکای سیاسی وی می‌توان گفت که همسر نتانیاهو در سال ۲۰۱۵ به اتهام استفاده از اموال عمومی برای چمن کاری باغچه و تعمیرات برقی منزل شخصی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در منطقه قیصریه در غرب اراضی اشغالی سال ۱۹۴۸ فلسطین تحت بازجویی قرار گرفته بود. پیش از این موارد نیز سارا نتانیاهو به خاطر پرونده‌های متعدد فساد و تخلف مانند به کارگیری یک کارمند دولتی برای نگهداری از پدر خود و پرداخت حقوق وی از حساب‌های دولتی، رفتار تحقیرآمیز و شکنجه‌غیرانسانی خدمتکاران منزل شخصی نخست‌وزیر تحت بازجویی قرار گرفته و به پرداخت ۸۰ هزار شیکل (۲۱ هزار دلار) به خاطر وارد کردن ضربات روحی به افراد دیگر، ۱۹ هزار و ۳۰۰ دلار بابت بدهی‌های گذشته و ۳ هزار و ۹۰۰ دلار بابت هزینه‌های دادرسی محکوم شده بود. اما در جدیدترین گزارش‌ها که علیه نتانیاهو بیان شده است پلیس رژیم صهیونیستی به دریافت اموال هنگفت توسط نتانیاهو از دو بازرگان که یکی از آنها اسرائیلی و دیگری غیراسرائیلی است، مشکوک است. به نوشته روزنامه هاآرتص بررسی‌ها و تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد پیشرفتی در دو پرونده به دست آمده و مشخص شده نتانیاهو در دو پرونده مظنون است. نخستین پرونده درباره دریافت هدایا و امتیازات است. دومین پرونده که مهم‌تر است و از چند ماه قبل روی میز مشاور قضایی دولت قرار دارد مربوط به دریافت رشوه هنگفت از تاجر اسرائیلی و تاجر خارجی است. به گزارش هاآرتص پلیس امیدوار است پس از بازجویی از نتانیاهو از اسرار این شبهات رمز گشایی کند. با این حال گزارش‌هایی مبنی بر تلاش مسئولان صهیونیستی وابسته به نتانیاهو برای تصویب قانون فوری مصونیت قضایی نخست‌وزیر منتشر شده است. وزیر «دادگستری» رژیم صهیونیستی نیز تلویحاً از این طرح حمایت کرده است و در صورت تصویب این طرح پلیس این رژیم عملا نمی‌تواند فسادهای ارتکابی نتانیاهو را مورد تحقیق قرار دهد. در مجموع می‌توان گفت هر چند زمینه‌های افشای فساد مالی نتانیاهو به قبل از تصویب قطعنامه ضدشهرکسازی و دیگر تحرکات مشابه بین‌المللی برمی‌گردد، اما به نظر می‌رسد اتخاذ گام‌های عملی در این راستا متأثر از فشارهای بین‌المللی است که برای وادار کردن نتانیاهو به همراهی با تحرکات جدید صورت می‌گیرد و این بدین معنی است که برخی از مخالفان نتانیاهو در میان احزاب چپگرا از سوی کشورهای غربی حمایت می‌شوند که این ابعاد دیگری از تسویه حساب‌های سیاسی را میان آنها آشکار می‌کند.

---

رویکرد
دکتر سید رضا میرطاهر

# رئیس جمهور کمتر قابل پیش‌بینی امریکا

از هنگام انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور آینده امریکا در انتخابات نوامبر ۲۰۱۶ تا کنون گمانه‌زنی‌های مختلفی درباره سیاست‌ها و اقدامات او در دوره زمامداری‌اش مطرح شده است. با این همه آنچه این گمانه‌زنی‌ها را با تردید فراوان روبه‌رو می‌کند سرشت شخصیتی ترامپ و سوابق کاری وی است. در واقع ترامپ رئیس جمهوری نیست که از درون سیستم سیاسی مستقر در امریکا (Establishment) سر برآورده باشد. به زبان دقیق‌تر اساسا ترامپ یک سیاستمدار Politician نبوده که رفتارش در این چارچوب قابل تحلیل و پیش‌بینی باشد. همین مسئله نه تنها تحلیل رفتار وی را دشوار می‌کند بلکه به طریق اولی تعیین سیاست‌های آینده وی را دشوارتر می‌کند. در عین حال به دلیل بی‌تجربگی سیاسی ترامپ و نیز خارج بودن وی از حوزه سیاست عمومی، می‌توان پیش‌بینی کرد که وی درباره بسیاری از مسائل و تصمیم‌گیری‌ها ناچار خواهد بود از روش آزمون و خطا استفاده کند. البته در این میان میزان تأثیرگذاری مشاوران و مقاماتی که در تیم ترامپ جای خواهند گرفت در تصمیم‌گیری‌های وی نیز تأثیر بسزایی در ماهیت و جهت‌گیری آنها خواهد داشت. با این حال در یک نکته نمی‌توان تردید کرد و آن اینکه ترامپ قصد دارد تا سیاست‌ها و اقداماتی را کاملاً بر خلاف سیاست دولت اوباما در جنبه‌های مختلف داخلی و خارجی است را سامان دهد. باید توجه کرد که ترامپ بیش از اینکه به عنوان یک سیاستمدار سنتی که در چارچوب حرفه‌اش قصد رسیدن به مناصب بالاتر سیاسی به ویژه ریاست جمهوری را داشته باشد، بیشتر به‌دنبال رسیدن به این مقام به منظور تحقق ایده‌آل‌ها و اهداف مدنظرش بوده است. در واقع ترامپ بیش از اینکه یک جمهوریخواه سنتی با همه مشخصه‌های آن باشد، بیشتر از حزب جمهوریخواه به عنوان مجرایی برای رسیدن به ریاست جمهوری استفاده کرده است. شاید به همین دلیل باشد که برخی از طرح‌ها و برنامه‌های وی مانند بهبود روابط با روسیه اساساً با خط مشی جمهوریخواهان که خواهان تشدید فشارها علیه مسکو هستند در تعارض است. نگاهی به طرح‌های ترامپ که آنها را در جریان مبارزات انتخاباتی یا پس از انتخاب شدن مطرح کرده می‌تواند تا حدی مسیر آینده وی را در کاخ سفید مشخص کند. به نظر می‌رسد ترامپ، مسائل مهم داخلی یعنی رونق اقتصادی و اشتغالزایی در داخل امریکا، رسیدگی به مسئله مهاجرت و در نهایت مسئله بهداشت و درمان را در اولویت خود قرار داده است.

**■ نویدهای اقتصادی**

ترامپ بارها تأکید کرده که یکی از اولویت‌های اصلی‌اش، بهبود وضعیت اقتصادی امریکاست. بررسی عملکرد ترامپ در مبارزات انتخاباتی نشان داد که وی درک واقع‌گرایانه‌ای از دغدغه‌های امریکایی‌های سفیدپوست و دادن شعارهایی دارد که برای آنها جذابیت دارد. ترامپ هوادار کاهش مالیات‌ها به ویژه برای طبقه ثروتمند و سرمایه‌دار است. هدف وی، تشویق سرمایه‌داران به سرمایه‌گذاری هر چه بیشتر در داخل امریکا به منظور جلوگیری از سرمایه‌گذاری شرکت‌های امریکایی در خارج از این کشور و حفظ و افزایش فرصت‌های شغلی امریکایی‌هاست. نامزد پیروز در انتخابات اخیر امریکا بارها بر بازگرداندن فرصت‌های شغلی امریکا به خاک این کشور تأکید کرده است. در واقع ترامپ با شناخت واقعیت‌های اقتصادی امریکا به ویژه نارضایتی کارگران و کارکنان سفید پوست از انتقال صنایع و کارخانه‌های امریکایی به خارج از این کشور که در راستای کاهش هزینه‌های تولید و نزدیکی بیشتر به بازارهای مصرف صورت گرفته است، در جریان مبارزات انتخاباتی خود از لزوم سرمایه‌گذاری طبقه ثروتمند این کشور در داخل امریکا و بازگشت فرصت‌های شغلی سخن گفت و از آن برای جلب نظر اقشار مختلف مردم امریکا

استفاده کرد. ضمن اینکه وی خواهان مذاکره مجدد بر سر پیمان‌های تجاری با کشورهای دیگراست. در راستای تحقق وعده‌های اقتصادی ترامپ، شرکت بزرگ خودروسازی فورد روز سه‌شنبه ۱۴ دی اعلام کرد از سرمایه‌گذاری در مکزیک صرف نظر کرده و در این راستا قرارداد سرمایه‌گذاری یک میلیارد و ۶۰۰ هزار دلاری خود را در این کشور لغو می‌کند. شرکت فورد، که طرح‌هایش در مکزیک با انتقاد شدید دونالد ترامپ مواجه شده است، قصد دارد به جای احداث کارخانه مونتاژ خودرو در شهر «سن لوئیس پوتوسی» مکزیک، مبلغ ۷۰۰ میلیون دلار در سایت این شرکت در شهر فلت راک، واقع در ایالت میشیگان سرمایه‌گذاری کند. با اجرای طرح‌های جدید، شرکت فورد، ۷۰۰ فرصت شغلی جدید در امریکا ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد این اقدام شرکت فورد با توجه به چشم انداز اقتصادی امریکا و اقدامات احتمالی ترامپ در راستای تشویق سرمایه‌گذاری شرکت‌های امریکایی در داخل خاک این کشور صورت گرفته است. در واقع این تصمیم شرکت فورد باعث خرسندی ترامپ خواهد شد که شعار اول امریکا (America First) را یکی از شعارهای انتخاباتی‌اش قرار داده بود.

**■ دیگر اولویت‌های ترامپ**

یکی از اولویت‌های اصلی ترامپ همان گونه که در جریان مبارزات انتخاباتی نیز بر آن تأکید کرده بود، مسئله برخورد با مهاجران غیرقانونی است. وی وعده داده است که ضمن اخراج مهاجران غیرقانونی، اقدام به احداث دیواری در مرز مکزیک برای جلوگیری از ورود آنها خواهد کرد. این مسئله نگرانی شدید مکزیکی‌ها و به طور کلی مهاجران لاتین تبار به امریکا را موجب شده است. در این راستا رئیس جمهور مکزیک تأکید کرده است که در دیدار با ترامپ این مسئله را مطرح خواهد کرد. با این حال شواهد حاکی از آن است که تصمیم ترامپ در این زمینه جدی است. در عین حال ترامپ قبلاً مسئله ممنوعیت ورود مسلمانان به امریکا را نیز مطرح کرده بود که پس از پیروزی در انتخابات مجدداً بر اجرای آن تأکید کرده است.

مسئله دومی که از اولویت‌های مهم ترامپ است، تعیین تکلیف برنامه بهداشتی و درمانی اوباما موسوم به «اوباما کر» است که هزینه‌ای ۲ تریلیون دلاری به همراه داشته است. به نظر می‌رسد جمهوریخواهان در مخالفت با این طرح پر هزینه همصدا هستند بنابراین یکی از وعده‌های سران جمهوریخواه لغو این طرح است که مسلماً به زیان اقشار ضعیف امریکایی خواهد بود به ویژه اینکه ده‌ها میلیون نفر در امریکا فاقد بیمه درمانی هستند و می‌توان پیش‌بینی کرد که لغو «اوباما کر» مسائل و مشکلات بزرگی را برای آنها به همراه خواهد آورد.

**■ جمع‌بندی**

ترامپ موفق شد با ارائه شعار اصلی خود یعنی «امریکا را دوباره شکوهمند سازیم» حمایت شمار زیادی از مردم ناراضی در جامعه امریکا را به خود جلب کند که امید دارند وی به گونه‌ای معجزه‌آسا، مشکلات اقتصادی و اجتماعی این کشور را حل کند و آن را به دوران خوش گذشته بازگرداند. به ویژه اینکه ترامپ اعلام کرده بود انتخابات نوامبر ۲۰۱۶، آخرین فرصت برای نجات امریکاست. از این رو چندان شگفت‌آور نبود که مردم متأثر از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی امریکا برای نجات خود و کشورشان به وی به چشم یک منجی بنگرند که آمال و آرزوهای آنها را تحقق خواهد بخشید. با این حال می‌توان پیش‌بینی کرد که اجرای طرح‌های ترامپ مخالفت‌های زیادی را در داخل امریکا برخواهد انگیخت.